**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه244– 25 /12/ 1398 روایت محمد بن حکیم /عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند /اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

با توجه به آیه‌ی چهارم سوره‌ی نساء و بعضی روایات، وجوب عده را بر زنی که رحمش را خارج کرده اند، ثابت کردیم.

حال به پاسخ سوالات بعضی از طلاب می پردازیم.

# سوال اول

در توضیحی که در مورد روایت حلبی فرمودید، چرا زن باید یک ماه صبر کند و فحص کند که خون حیض می بیند یا نه؛ آیا این طور نیست که عادتا زن قبل از آن که به یاس شرعی برسد، به یاس شخصی می رسد. این که یک ماه خونی دیده نشود، در بهترین حالت نشانه‌ی احتمالی بر یاس شخصی زن می باشد؛ اما آیا تناسبی با یاس نوعی دارد که از جانب شارع در فرض شک نوعی معیار قرار داده شده است. حتی اگر بتوان این مساله را به نحوی توجیه کرد، باز این نکته اماره بر یاس شخصی می باشد، اگر چه به نحوی بتوان آن را با یاس نوعی نیز سازگار کرد.

## صحیحه‌ی حلبی

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي‏ لَا تَحِيضُ‏ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ الَّتِي لَا تَطْهُرُ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ عِدَّةُ الَّتِي تَحِيضُ وَ يَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ قَالَ‏ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنِ ارْتَبْتُمْ‏ مَا الرِّيبَةُ فَقَالَ مَا زَادَ عَلَى شَهْرٍ فَهُوَ رِيبَةٌ فَلْتَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ وَ مَا كَانَ فِي الشَّهْرِ لَمْ تَزِدْ فِي الْحَيْضِ عَلَيْهِ ثَلَاثَ حِيَضٍ فَعِدَّتُهَا ثَلَاثُ حِيَض‏[[1]](#footnote-1)

## پاسخ

اماره‌ی بر یاس شخصی معنا ندارد؛ زیرا زن حالت خود را می داند و به یاس یا عدم یاس خود اطمینان دارد؛ مگر آن که یاس شخصی را این طور معنا کنیم که نوع افراد در مورد حیض دیدن این زن مایوس باشند. با توجه به این معنا ممکن است زنی خودش مایوس از حیض دیدن باشد اما نداند که نوع افراد هم او را مایوس می دانند یا نمی دانند. در این صورت شارع مقدس ضابطه تعیین کرده است که اگر یک ماه تاخیر افتاد، مشخص می شود که اگر افراد دیگر هم جای این زن بودند، مایوس می شدند.

قبلا گفتیم که مجرد یک ماه خون ندیدن موجب یاس نمی شود؛ زیرا ممکن است حامله باشد.

بیان ما این بود که این روایت در مقام بیان این نکته است که زنی که احتمال می دهد به سن یاس رسیده باشد، شارع مجرد این احتمال را ترتیب اثر نداده و فرموده است در صورتی که این احتمال مستقر شود، احکام بر آن جاری می شود.

مثلا در شکوک نماز انسان باید کمی صبر کند تا شکش مستقر شود و مجرد حدوث شک نمی توان احکام شک را جاری کرد.

در محل بحث هم زنی که مرتابه است، به مجرد شک نمی تواند خودش را معتده‌ی به اشهر بداند، بلکه باید یک ماه فحص کند و اگر خون حیض ببیند، عده‌ی او به قروء است؛ اما اگر یک ماه حیض نبیند و شکش مستقر شود، معتده‌ی به اشهر خواهد بود.

# سوال دوم

در روایت ابی حمزه از محمد بن حکیم، منظور از فقره‌ی تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ چیست؟ احتیاط یعنی تحفظ بر واقع در ظرف احتمال؛ وقتی گفته می شود: فلانی احتیاط کرد، یعنی خود او با وجود این که احتمال می دهد مشکلی وجود نداشته باشد اما به احتمال وجود مشکل اعتنا کرده و بر واقع محتمل تحفظ می کند. در محل بحث ما زن ادعای حمل می کند، نه این که شک داشته باشد؛ پس نمی توان گفت که زن باید احتیاط کند؛ زیرا زن شکی ندارد. اگر این زن گر چه به خاطر فرمایش امام ازدواج نکند، گفته نمی شود که این زن احتیاط کرده است. پس به نظر می رسد نقلی که در آن، فضای شک زن را بیان کرده است، صحیح تر باشد.

## روایت ابی حمزه از محمد بن حکیم

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حكيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِثْلُهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَرْتَفِعُ طَمْثُهَا كَمْ عِدَّتُهَا قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ قَالَ إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ تَزَوَّجُ قَالَ تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ.[[2]](#footnote-2)

## پاسخ

لزومی ندارد ادعای زن، ادعای جزمی باشد، در ادعای حاملگی، اطمینان ( که با شک هم سازگار است) کفایت می کند. بنابراین معنای روایت چنین است که گرچه اطمینان به حاملگی وجود دارد، اما شارع مقدس این اطمینان را حجت قرار نداده است و دیگران نمی توانند به این اطمینان زن، ترتیب اثر دهند؛ مثلا شوهر حق رجوع ندارد. گر چه شارع اطمینان زن را حجت ندانسته اما در مورد خود زن احتیاط را لازم دانسته است.

در فقره‌ی قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ می فرماید این زن پس از یک سال هم ادعای حمل می کند. امام می فرماید: پس از یک سال می تواند ازدواج کند. یعنی شارع مقدس این ادعای زن را ادعای وسواس گونه و ادعای نادرستی می داند و اطمینان زن را تخطئه می کند و می فرماید: تردیدی نیست که این زن حامله نیست.

همین تخطئه در عبارت قبلی روایت هم وجود دارد: فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ قَالَ إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ زن پس از نه ماه ادعای حمل می کند، شارع می فرماید: إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ غالبا حمل نه ماه است و خیلی بعید است که این زن حامله باشد؛ پس شارع با إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ در صدد رفع اطمینان زن است.

در ذیل روایت ( پس از یک سال) نه تنها رفع اطمینان می کند، بلکه اطمینان به عدم حمل را مطرح کرده و می فرماید: نباید شکی در حمل باشد.

در فاصله‌ی نه ماه تا یک سال احتمال کمِ حاملگی وجود دارد؛ به همین دلیل شارع در مورد زن به احتیاط امر می کند و از طرفی شوهر نمی تواند رجوع کند. یعنی شارع اطمینان زن به حامله بودن را به احتمال ضعیفِ حامله بودن تبدیل می کند و این احتمال ضعیف منشا احتیاط است. پس از یک سال این احتمال ضعیف هم وجود ندارد.

از این روایت استفاده می شود که نهایت مدتِ حمل یک سال است.

# سوال سوم

طبق نقل این روایت فراز تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ موجه نیست. اگر زن ادعای حمل دارد و در مقام قضا ادعایش مسموع نیست، به طور طبیعی نباید به عنوان اولین نتیجه‌ی رد ادعای او چیزی را مطرح کنید که کاملا به نفع اوست.

لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا هم ظاهر در فضای شک است.

## پاسخ

پس از یک سال بحث قضایی مطرح نیست. شارع می فرماید: پس از یک سال اصلا احتمال حمل وجود ندارد.

لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا فضای شک نیست و به معنای این است که هیچ شکی وجود ندارد.

زن ادعای حاملگی می کند و شارع این ادعا را نمی پذیرد و تنبیه می دهد که در فاصله‌ی نه ماه تا یک سال این ادعا بسیار بعید است و به خاطر این احتمال ضعیف احتیاط سه ماهه را امر می کند؛ اما پس از یک سال حتی این احتمال ضعیف هم امکان ندارد.

# سوال چهارم

چرا در لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا لفظ «علیها» به کار رفته است.

## پاسخ

ادعای حاملگی زن به خاطر تخیل حاملگی می باشد. این تخیل باعث می شود نتواند ازدواج کند، شارع مقدس می فرماید: زن نباید شکی علیه خودش داشته باشد. یعنی اگر زن شک می کند، شکش غیر عقلایی و ناشی از وسواس می باشد.

«علیها» به این اعتبار است که شک زن علیه خود اوست و مانع ازدواجش می شود.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص100.](http://lib.eshia.ir/11005/6/100/%D8%A7%D9%84%D8%B1%DB%8C%D8%A8%D8%A9) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص101.](http://lib.eshia.ir/11005/6/101/%D8%A7%D9%84%D8%B4%D8%A7%D8%A8%D8%A9) [↑](#footnote-ref-2)